

اشاره

یکی از عناوین مورد بحث در دوره تأمین مدرس کتاب دین و زندگی (۲) که تیرماه سال گذشته در مرکز تربیت معلم شهید هاشمی نژاد مشهد برگزار شد، مباحث مربوط به حقوق خانواده، نگرش اسلام به حقوق زن و مرد و بحث‌هایی پیرامون حجاب و راهکارهای مناسب فرهنگ‌سازی عمومی در این زمینه‌ها بود، که توسط استاد محترم حوزه و دانشگاه، سرکار خانم الاسوند تدریس شد.

از آن‌جا که محتوای ارائه شده، در پیوند با دروس بخش دوم کتاب دین و زندگی (۲) است و موضوعاتی چون فضیلت، آراستگی، عفاف، پوشش و حدود حجاب مورد بحث قرار گرفته‌اند، مناسب دیدیم چکیده و خلاصه‌ای از آن را به نظر دوستان برسانیم تا در تدریس دروس مذکور مورد مطالعه قرار دهند.

برسش‌های فراوانی که در جلسات گوناگون درباره حقوق خانواده مطرح می‌شود یا در نامه‌ها و تماس‌ها با مراکز پاسخ‌گویی به‌صورت مکرر دنبال می‌شود، بیانگر ضرورت شناساندن مبانی حقوق در اسلام و مقایسه آن با حقوق غیر اسلامی (در سایر کشورهای غیرمسلمان) است. بحث از موضوعاتی چون حجاب، حقوق زنان، تفاوت زن و مرد و... باید پس از شناخت مبانی حقوق در اسلام صورت گیرد.

در ادبیات حقوقی، نظام حقوق اسلامی به نظام حقوق طبیعی نزدیک است و ماهیتاً با نظام قراردادی تفاوت دارد. در نظریه نظام حقوق طبیعی، ملاک‌هایی واقعی وجود دارد که با نظام حقوق اسلامی قابل تطبیق است. مثلاً در نظام حقوقی اسلام، حقوق و محوریت خانواده براساس حق طبیعی خانواده تعیین و تنظیم شده است. یعنی نظامی طبیعی گراست و در عین حال از جامعیتی برخوردار است که بر دو پایه فردی و اجتماعی بنا شود. بنابراین همان‌طور که انسان نسبت به خودش از جهت پرورش استعدادها و مهم‌ترین نقش فردی‌اش یعنی بندگی خداوند، تعهداتی دارد، تعهدات خانوادگی اجتماعی نیز دارد.

رابطه حجاب با حیا و عفاف

تنظیم: مریم جزایری
دبیر دین و زندگی ناحیه ۱ شهرری

بدون شک اگر نقش‌ها و وظایف با ظرفیت‌های انسان متناسب نباشد، برایش قابل تحمل نخواهد بود و چنان‌چه بخواهید در سه حوزه فردی، خانواده و اجتماع به صورت یک‌سان متعهد شوید، فراتر از توان‌مندی او خواهد بود.

در اسلام تقسیم و توزیع کار و اولویت‌بندی‌های اعمال شده در تعیین نقش‌ها براساس توجهی جامع صورت گرفته و به شکل قانونی-مانند تمامی نظام‌های حقوقی دنیا- مدون و مضبوط است.

گاهی حقوق به معنی رایب (Right) به‌کار می‌رود که شامل هر حقی می‌شود. مثل حق سخن گفتن و در عین حال جایز نبودن قطع سخن بین دو نفر که نمونه‌ای از معنای حق است. در این چنین حقی، اگر کسی، حرف گوینده را قطع کند و حق سخن گفتن او را نادیده بگیرد، در ازای آن کیفر و مجازاتی پیش‌بینی نشده است. از همین‌رو عده‌ای معتقدند که برای ضمانت اجرایی حقوق جزئی نیز باید قوانین اخلاقی را حاکم کرد. این نظر قابل قبول نیست. زیرا اخلاق، باید در متن زندگی باشد و درونی و نهادینه شود. اگرچه برای تعیین حقوق افراد و اصناف، می‌توان حدودی را مشخص و مدون کرد. مانند حقوقی که رسول خدا(ص) به هنگام جهاد، برای فرماندهان مشخص فرمود، از جمله جایز نبودن قطع درختان و سوزاندن مزارع.

در مقابل حقوق به معنای یاد شده، حقوق به معنای «لا» قرار دارد که محدودتر است. و منظور، آن است که مطابق با هر حق تعیین شده، تکلیف و حدودی نیز مشخص می‌شود که اجرا نکردن آن موجب کیفر و مجازات است. مثلاً مدیریت منزل و خانواده توسط شوهر، مهریه (در اسلام اقل و اکثر ندارد و تنها احراز مالیت و حلیت آن شرط است) و...

رعایت نکردن این حقوق باعث شده که قوانین دائماً در نوسان باشد و مشکلات ناشی از آن هم‌چنان باقی بماند. مثلاً عده‌ای از روی ستم، مهر زن را نمی‌پردازند و یا عده‌ای از روی ستم، شوهر را به پرداخت مهریه ملزم می‌کنند. بنابراین باید در کنار آموزش‌های محدود اعتقادات و مبانی دینی، آموزش تکمیلی با موضوع اخلاق، خانواده و سایر نهادهای اجتماعی در نظام آموزش رسمی پیش‌بینی شود. اگر افراد به حقوق خود و دیگران آگاه و عامل باشند، می‌توان به پای‌بندی آنان در سایه اخلاق امیدوار بود.

قانون فی‌نفسه دارای نقایصی است که استیفای حقوق را محدود و مشکل می‌کند. مثلاً زنی که به ناحق مورد ضرب و شتم شوهر قرار گرفته است و موقعیت مراجعه به مراجع قانونی را ندارد، دلیلی برای اثبات حق خود ندارد و نمی‌تواند مورد حمایت قانون قرار گیرد. پس نقص ذاتی قانون و محدودیت رسالت حقوقی، به ایجاد خلأهای ناشی از اخلاق منجر می‌شود.

یکی از مهم‌ترین موضوعات مربوط به زنان، بحث پوشش و حجاب است. نبودن شناخت درستی از جایگاه حجاب، باعث شده است که طرفداران آن خواهان برخورد قانونی و دولتی باشند و در مقابل، مخالفان آن، حجاب را امری شخصی و غیرمرتبط به دولت



عفت شاخه‌ای
از حیاست و
حیا اعم از عفت
است. عفاف
و عفت مورد
توجه در اسلام،
به هیچ‌وجه
جنسیتی مطرح
نشده و فقط هم
در قالب پوشش
مطرح نیست

و قانون تلقی کنند. مسئولیت پالایش اخلاقی جامعه در حال حاضر بر دوش دختران و زنان افتاده و برخلاف میل آنان، این بار به آن‌ها تحمیل شده و به یک مشکل فراگیر و حتی سیاسی و نماد مخالفت با نظام درآمده است. همین برداشت اشتباه، باعث شده است که بحث حجاب از منشأ اصلی خود که عفاف و حیاست، کاملاً دور بماند.

عفت، حیا و نسبت آن دو با حجاب

بنابر تعریف علمای اخلاق در اسلام، حیا حالتی نفسانی و درونی است که انسان را از ارتکاب عمل ناپسند بازمی‌دارد. در این تعریف عمل ناپسند شامل همه انواع قابل تصور است و عفت حالتی درونی و نفسانی است که انسان را از ارتکاب عمل جنسی ناپسند بازمی‌دارد. بدیهی است با این تعریف عفت شاخه‌ای از حیاست و حیا اعم از عفت است. عفت و عفاف مورد توجه در اسلام، به هیچ‌وجه جنسیتی مطرح نشده و فقط هم در قالب پوشش مطرح نیست. عفاف راهبرد زندگی انسانی یک مسلمان است، چه مرد باشد و چه زن و همین معنا ضرورت آموزش آن را به خوبی بیان می‌کند.

آموزش عفت این فضیلت را درونی و نهادینه می‌سازد. البته در آموزش آن باید از مطالب کوچک و موضوعات ساده آغاز کرد و با تمرین عملی و مستمر، آن را پایدار نمود. معنای دقیق عفت، خویش‌داری است، چنان‌که امام علی (ع) در خطبه متقین، خویش‌داری از ارضای هوای نفس (سؤل) را عامل وارستگی می‌شمرند. عفاف، پاسخ به خواسته‌های نفسانی را به فواصل زمانی دور دست موکول می‌کند. تسویفی که در مورد توبه مذموم است در مورد عفت ضروری و لازم است و این مهارتی است که باید آموزش داده شود. در خانواده‌هایی که استفاده از ماهواره بی‌حدومرز است، نمی‌توان فضایی چون حجاب، پرهیز از نامحرم و رعایت حریم روابط مشروع و... را آموزش داد، زیرا سرکشی و طغیان شهوت از طریق تماشای برنامه‌های غیر اخلاقی (از فیلم‌های سینمایی گرفته تا کنسرت‌های خوانندگان و حتی مصاحبه‌ها و گزارش‌های خبری و...) موجودیت حیا و عفاف چنین جوانانی را به خطر انداخته و آنان را پیش از آموزش‌های لازم در خصوص عفاف، عملاً به تماشای برنامه‌هایی گرایش داده که به شدت با عفاف و حیا در تضاد است و این در حالی است که فضیلت حیا و عفت در عنقوان جوانی که آغاز هیجان‌ات غریزی است، به کار می‌آید و ضرورت دارد، آن هم مشروط به این‌که قبل از بروز آن هیجان‌ات، عفت به عنوان راهبرد مورد تأکید قرار گرفته باشد. زیرا همان‌گونه که تربیت ذهنی و اندیشه‌ای (مثل علم منطقی)، گردش ذهنی را کنترل می‌کند، تربیت اخلاقی با محوریت حیا و عفت نیز تنظیم‌کننده و ناظر بر رفتار انسان در محدوده حریم روابط او با دیگران خواهد بود و مشروعیت روابط، محرم و نامحرم و... معنا می‌یابد.

و همان‌گونه که در تربیت ذهنی می‌آموزیم که هیچ سخنی را بدون آمادگی قبلی و در نظر داشتن عواقب آن به زبان نیاوریم، در تربیت اخلاقی نیز، آینده‌نگری و پیش‌بینی عواقب ناشی از رعایت

عفت و عفاف، عاملی باردارنده خواهد بود. اگر چنین تربیتی صورت

نگیرد، گرفتار شدن به انواع رذایل و مفسد حتمی است. درحالی که مثلا در حوزه کلام و سخن گفتن، نداشتن تربیت ذهنی باعث می شود با هر کلامی بدون تفکر به عواقب آن، فرد گوینده مورد تمسخر، تهمت و سایر ناهنجاری های کلامی و زبانی قرار گیرد.

نداشتن تربیت در حوزه عفاف نیز عیناً همین عواقب را خواهد داشت. در یکی از گزارش های مکتوب در آثار روان شناسی غربی، جهت مقابله با آمار بسیار بالای سقط جنین، آموزش خویش داری به افراد، راه حل دانسته شده و مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که ظرف مدت کوتاهی پس از آموزش، آمار ۱۲۰ نفره دخترانی که اقدام به سقط می کردند در یک مدرسه، به ۲۰ نفر کاهش یافته است. در این آمار، استقبال دختران از خویش داری بیش از پسران بوده و تعداد دختران با حیا بیش از پسران و بیش از دختران بی بندوبار گزارش شده است. این مسئله نتیجه تربیت صحیح است و دیگر تقصیر، به عهده زن یا مرد یا خانواده و... نمی افتد. بلکه، انضباط درونی افراد آموزش دیده و شناخت آگاهانه آن ها تأثیری مستقیم بر رفتار آنان داشته است.

نقش مردان و پسران در حفظ حجاب

اسلام در خصوص عفاف دو بعد راهبردی را تعیین کرده است:

- بعد غیرجنسیتی

- بعد جنسیتی

بعد غیر جنسیتی

یکی از مشکلات جامعه ما نادیده گرفتن بعد غیر جنسیتی عفاف و نداشتن حساسیت خانواده ها در تذکر به پسران پیش از دختران است. در قرآن کریم، لزوم حفظ نگاه اول به مردان تذکر داده شده است: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...» به مردان مؤمن بگو چشمان خود را فرو پوشند و عفت خویش را حفظ کنند (نور: ۳۰).

در جامعه ما اگر خانمی می خواهد در خودروهای مسافرکش بدون برخورد با محرم به مقصد برسد و راحت باشد، حاضر است هزینه دو نفر را تقبل کند. درحالی که هرگز شنیده نشده است که مسافر مرد برای اقدام مشابه و رعایت حد مشروع، هزینه ای تقبل کند. اما در اسلام نه تنها حريم عفت تفکیک جنسیتی نشده بلکه حتی از قبل از بیان ضرورت پوشش زنان به ضرورت حفظ نگاه از سوی مردان تأکید شده است. در روایات آمده است که هنگامی که پیامبر (ص) با جوانی مشغول صحبت بودند، زنی از کنار آنان عبور کرد و جوان با نگاه خود، زن را تماشا و دنبال می کرد. پیامبر (ص) به آن زن فرمودند مثلاً بیرون نمان و به خانه برو، بلکه روی آن جوان را به سوی خود برگردانند و فرمودند: نگاه نکن که نگاه بد تیر زهرآلودی از تیرهای شیطان است.

عفت باید با مراحل رشد غریزی تنظیم شود. در این خصوص خانواده ها نه تنها درست عمل نمی کنند، بلکه اهمال هم می کنند.

قطعاً دبیران دینی با صحنه هایی روبه رو شده اند که تأییدی بر این مدعاست. والدینی که از بیان تکالیف شرعی به دختر یا پسر به بهانه خجالت و شرمزدگی طفره می روند، اما در محافل و جمع های دوستانه بدترین و زنده ترین به اصطلاح طنزها را در قالب لطیفه، پیام کوتاه گوشی های همراه و... رد و بدل می کنند!

بعد جنسیتی

در ارشاد القلوب دیلمی آمده شش چیز برای همه خوب است و برای شش گروه بهتر است و از جمله اشاره می کند به عدل برای امرا و حاکمان و حیا برای زنان، زیرا مانند نمک برای طعام لازم است. حیا نقطه مقابل جلوه گری و خودنمایی برای جذاب شدن است و مانع از سوء استفاده دیگران از آنان می شود. دقیقاً به همین دلیل فمنیست ها با سه صنعت به شدت مخالف اند: مد و عرضه مدگرایی لباس، لوازم آرایش و جراحی زیبایی. آنان معتقدند این سه صنعت و حرفه، زن را مورد استفاده نادرست قرار می دهد. در آثار نویسندگان غربی، نظر غالب این است که در هیچ دوره ای، ارزش زنان به اندازه دوره کنونی تنزل نکرده و مورد سوء استفاده قرار نگرفته و از زن و در دسترس نبوده اند. به عقیده آنان سطح جذاب شدن و روش های صحیح آن در زنان کاهش یافته و میل به زندگی دائم در کنار همسران کم شده است.

دید جنسیتی موجود نسبت به زن، ناشی از آسیب پذیری دختران است. اگر این آسیب به ناامیدی دختران منجر شود، قید همه چیز را خواهند زد و به رفتارهای پرخطر روی می آورند. شاید دلیل این که در اسلام «یأس» دومین گناه کبیره شمرده شده همین است که فرد برای یافتن جایگزین صحیح امیدوار باشد و یأس عامل قطع کامل و بریدگی وی از طریق صحیح نشود.

در اسلام حفظ حريم عفاف، احکام مشترکی است که رعایت آن هم از سوی زن و هم از سوی مرد واجب شمرده شده و هر کدام شرایط خود را دارند. مثلاً نگاه کردن، پوشش، راه رفتن و... از این میان کنترل نگاه، رکن عفاف است و به دلیل رابطه چشم و دل یا نظر و قلب، حفظ نگاه بسیار مهم است. شعر باباطاهر برگرفته از همین معناست (ز دست دیده و دل هر دو فریاد...). معمولاً در موارد یاد شده بیش از جنبه فردی آن ها، به ابعاد اجتماعی آن ها تأکید می شود. در حالی که بعد فردی آن نیز در جای خود مهم است (گرچه بعد اجتماعی آن گسترده تر است). مثلاً در روایات برای حفظ و رعایت حدود فردی، بهره های معنوی و روزی بی حساب به منزله پاداش وعده داده شده است یا گفته اند «عقیف» نام فرشته ای از ملائک است و فرد عقیف در جایگاه او محشور می شود و... به هر حال عفت فردی شخص در عفت اجتماعی اثر می گذارد. و چنان که در ادبیات جامعه ما نیز رایج و متداول است، رعایت عفت از سوی هرکس نسبت به نوامیس دیگران باعث عقیف ماندن نوامیس وی می شود.

در پاس داشت عفت، سهم دختر و پسر، هر دو باید مشخص شود. جنبه های فیزیکی و جسمانی زن و مرد، بدون شک، در این

در یکی از گزارش های مکتوب در آثار روان شناسی غربی، آموزش خویش داری به افراد راه حل دانسته شده و مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که ظرف مدت کوتاهی پس از آموزش، آمار ۱۲۰ نفره دخترانی که اقدام به سقط جنین می کردند، در یک مدرسه به ۲۰ نفر کاهش یافته است



سهم‌بندی دخالت دارند.^۲ در قرآن کریم و روایات معصومین(ع) سهم‌زنان در عفت تعیین شده است و رعایت حجاب، کف و سقف مشخصی دارد. لفظ «حجاب» به معنای پوشش در قرآن نیامده^۳ و در روایات نیز از واژه «ساتر» نام برده شده است.

پیش از اسلام در میان پیروان آئین ابراهیمی و سایر ادیان الهی، حجاب رایج بوده است و از آیات نیز چنین برمی‌آید که پیش از نزول آیات مربوط به حجاب، زنان سر خود را با روسری می‌پوشانده‌اند. تفاوت موجود در نحوه پوشش قبل از نزول آیه و پس از آن است. یعنی تا پیش از نزول آیه روسری تنها موها را می‌پوشاند و گوش‌ها و گردن و بالای سینه پوشیده نمی‌شد. پس از مراجعه عده‌ای از زنان برای شرکت در نماز عشا به نزد پیامبر(ص) و شکایت از این که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، پیامبر(ص) از آنان خواست تا جلباب را بر گردن بیفکنند تا به این وسیله به عفت شناخته شوند و کسی آنان را مورد مزاحمت قرار ندهد.^۴

علاوه بر حدود تعیین‌شده در پوشش زن مسلمان، دو ضابطه ساختاری و مبنائی نیز مطرح است که عبارت‌اند از: پرهیز از تبرج و نداشتن مفسده، به این معنا که جلوه‌گری نکنند. حال این جلوه‌گری در هر شکلی ممکن است ظهور داشته باشد، مثل رنگ لباس، مدل آن، آرایش، راه رفتن، سخن گفتن و... بنابراین هر رفتار و کنشی که از طریق تبرج تهییج شهوانی کند، مورد نهی واقع شده است. البته جلب توجه زمانی مردود است که انسان را انگشت‌نما کند. مثلاً لباسش، لباس شهرت، غیرمتعارف یا دون‌شان او باشد. پس اگر جلب توجه از باب تأثیرات منفی نباشد و متعارف تلقی شود، اشکال ندارد. مانند پوشیه‌زدن برخی از خانم‌های محجبه که جلب توجه آنان مفسده‌آور و تحریک‌کننده شهوانی نیست. اگرچه پوشاندن صورت جزو واجبات نیست و حتی در حالت احرام نیز حرام است.

اسلام با این دو قید، محدودیتی در رنگ یا جنس پوشش ایجاد نکرده و خود مردم از نظر عرفی متوجه تبرج بعضی از رنگ‌ها و مدل‌ها می‌شوند که هدف از آن‌ها، جلب توجه و خودنمایی است. این ضوابط (نبودن مفسده و جلب‌توجه بدون وجود قید تبرج) در مورد مردان نیز مطرح است. یعنی هر جا مفسده بود استفاده ممنوع است. پس اسلام سهم هر کس را چه زن و چه مرد تعیین کرده است و نباید سهم هیچ‌کس را بر دیگری تحمیل کرد. نمی‌توان همیشه از زن خواست که او مراعات کند و چون مردان مراعات نمی‌کنند، محکوم به خانه‌نشینی باشد. بلکه مردان نباید نگاه کنند. حتی اگر زنان خود را نپوشانند. در اسلام فرائض در کف احکام هستند و با تعیین مستحبات و موارد توصیه شده (بدون قید وجوب) سقف‌ها تعیین می‌شود.

چرا چادر؟ چرا رنگ مشکی؟

ابن عباس از حضرت زینب(س) نقل می‌کند که فرمود: «هنگامی که مادرم برای خطبه می‌رفت، جلباب می‌پوشید و دامن‌کشان می‌رفت» یعنی لباسشان به قدری بلند بود که پایشان پیدا نبود و پوشش آن حضرت تا نزدیک زمین می‌رسیده است. چادر نزدیک‌ترین



کنترل نگاه

رکن عفاف است و به دلیل رابطه چشم و دل یا نظر و قلب، حفظ نگاه بسیار مهم و رعایت آن از سوی مرد و زن (به ویژه مرد) واجب است

نوع پوشش به این توصیف حضرت زینب(س) است و از آن‌جا که الگوی تمام بانوان وجود نازنین حضرت زهرا(س) است، شایسته است پوشش زن مسلمان نیز به پوشش آن حضرت شبیه باشد. اگرچه صرفاً نباید و نمی‌توان حجاب را محدود به چادر دانست و هر پوششی که حدود واجب را مستور کند و دو شاخصه نداشتن تبرج و مفسده را داشته باشد، نیز حجاب است، اگرچه چادر نباشد. نکته دیگر آن که استفاده از چادر با وجود محدودیت‌های آن از باب عمل به توصیه‌هایی است که تحمل فشار بیشتر را در رعایت احکام الهی، موجب اجر اخروی و آثار خیر دنیوی معرفی کرده‌اند.

در مورد علت مشکی بودن رنگ چادر باید گفت: در روایات استفاده از رنگ مشکی برای پوشش مکروه اعلام شده مگر در سه مورد: کفش، عمامه و عبا. علت مشکی بودن اغلب پوشش‌های زنان به دلیل پایین بودن تأثیرات شهوانی و هیجانی در این رنگ است که در جای خود ثابت شده است.

الزام قانونی و حکومتی در مورد حجاب

با وجود این که لباس، امری شخصی و فردی است، اما عرف رسمی و غیررسمی، انسان را به مراعات قواعد خاصی درباره آن وامی‌دارد. در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی سراسر جهان که محیط تحصیلی‌اند، حدود پوشش مشخص شده و حتی سبک و مدل آرایش مو دارای ضوابط و مقررات ویژه‌ای است که نشان می‌دهد لباس همیشه و در همه‌جا پوشش خصوصی و فردی نبوده است. و همین مسأله جواز یا ضرورت التزام دولتی و حکومتی را برای حجاب مشخص می‌کند. این التزام، هم برای مردان وجود دارد و هم برای زنان. هر لباسی برای مردان مناسب نیست و آزادی نسبی و محدودیت کمتر مردان، در انتخاب پوشش در مقابل محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر در پوشش مناسب زن، موجب اجر نمی‌شود. در مقابل حفظ نگاه مردان هم پای حفظ حجاب زنان ضروری است و تاریخ اسلام و توصیف پوشش شخص پیامبر(ص) و معصومین(ع) در روایات و نقل‌های تاریخی معتبر، حاکی از آن است که لباس‌های آنان با سه ویژگی «پوشیدگی»، «آراستگی و تمیزی» و «دارا بودن وقار و متانت و مناسب با شأن» مشخص شده است.

پی‌نوشت

۱. از جمله سراسیمه‌ی به سوی گومورا، رابرت اچ بورک؛ زن بودن، تونی گرت؛ جنگ علیه خانواده، ویلیام گاردنر.
۲. مرحوم علامه در تفسیر المیزان ذیل آیات ۲۲۸ تا ۲۳۲ سوره بقره به جاذبه‌ها و قابلیت زایش زن بحث علمی مبسوطی دارند که مطالعه آن توصیه می‌شود.
۳. فاطمه مرنسی، محقق دانشگاه الازهر مصر در کتابی که به دلیل محتوای آن از سوی بعضی از علمای اسلام مرتد معرفی شد، به نام «زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش» دچار اشتباهی فاحش در خصوص وجوب پوشش زنان شد زیرا به دنبال واژه حجاب در قرآن بود! و با استناد به کاربرد این واژه در سوره احزاب، حجاب را تنها برای زنان پیامبر(ص) و حکمی اختصاصی برای آنان معرفی کرد.
۴. آیات ۵۸ تا ۶۰ سوره احزاب در همین خصوص نازل شده است.